

هر دم از این بام بری می رسد!

نگاهی به "فراخوان ملی برگزاری رفراندوم" در تاریخ ۲۶.۱۱.۲۰۰۴ فراخوانی با امضاء چند تن از اصلاح طلبان دوم خردادی در صفحات اینترنتی انتشار یافته است، که همه "هموطنان" را به امضاء برای برگزاری رفراندوم برای تشکیل مجلس موسسان و تغییر قانون اساسی برپایه "اعلامیه حقوق بشر" و پشتیبانی سازمانهای بین المللی دعوت نموده اند. امضاء کنندگان اولیه که گویا از اصلاح طلبی در چارچوب رژیم جمهوری اسلامی ناامید شده اند، با توسل به شیوه های عقب مانده درصددند تا توده های ستم دیده را از درگیری با رژیم اسلامی برحذر دارند. آنها آنقدر دست به عصا به فرمولبندی فراخوان پرداخته اند که کسی تصور نکند "خدای ناکرده" امضاء کنندگان با اساس سیستم حاکم (شرایط اجتماعی - اقتصادی حاکم) در تضاد آشتی ناپذیر قراردارند. آنها رژیم را "تهدید" می کنند که اگر فراخوان را جدی نگیرد، آنوقت بقول یکی از امضاء کنندگان فراخوان: "در مرحله نهایی به نظر آقای سازگارا اگر مقامات به خواست مردم تن ندهند آنگاه می شود از روش های غیرخشونت آمیزمانند نافرمانی مدنی استفاده کرد تا مقامات به خواست مردم تن دهند." به نقل از بی بی سی "

اما امضاء کنندگان می دانند که توده های تحت ستم تره هم برای اینگونه امضاها اینترنتی قائل نبوده و تا سرنگونی قهرآمیز رژیم جمهوری اسلامی از پای نخواهند نشست. تمامی کسانی که در بوق مبارزه مسالمت آمیز با رژیم اسلامی می دمند، در واقع بعنوان پشت جبهه رژیم اسلامی عمل می کنند و از ابتکار توده ها هراسانند و در واقع ترمزکنندگان انقلاب توده ها و عاملین دخالتهای امپریالیستی اند که با اسم مستعار "پیوستن ایران به اردوی جهان آزاد" و "با نظارت نهادهای بین المللی" بیان می شود. برای آنها مسالمت جویی احترام به خواسته های بحق توده ها معنی نمی دهد، بلکه آنها درصددند خود را بدون درد سر با "کمک نهادهای بین المللی" به وزارت و وکالت برسانند و البته بدون اینکه از دماغشان خون بیاید وگرنه توده هایی که اکثریت شان زیر خط فقر زندگی می کنند و بدنبال آب و نان می دوند، نه اینترنتی در اختیار دارند و نه وقت آنرا دارند که به یاوه های هر دوم خردادی مرتجع جواب بگویند. فقط در این میان بایستی بحال امضاء کنندگان روشنفکر "ضد رژیم" گریست.

حقیقت اینست که بعد از سالها دمیدن به شیپور اصلاح طلبی، اکنون که بی ثمری این شیوه برای رسیدن به "آزادی" هرروز بیشتر نمایان می شود و خود اصلاح طلبان نیز از آن ناامید شده اند و در حالی که ایران از هرطرف با ایالات متحده آمریکا "همسایه" می شود، هر گروه و دسته ای در داخل و خارج که تاچندی پیش از هواداران پر و پاقرص اصلاح طلبی بودند، ب فکر جمهوری خواهی از نوع لائیک و نیمه و یک چهارم لائیک و برگزاری رفراندوم افتاده اند که البته "چپ" های مدرن و دمکرات نیز در این بازی جای ویژه ای را

کسب کرده اند. از آنجائی که ۲۶ سال سلطه جمهوری اسلامی آخرین رمق آنان را ستانده است، حاضرند با هر ریسمانی به ته چاه رهسپار شوند، تا از این طریق به جامعه مدنی خویش نقبی تاریخی بزنند، همانگونه که آقای کرزای در افغانستان و آقای علاوی در عراق به انجام رساندند. البته فقط با یک فرق کوچک و آنهم اینکه آقای کرزای و علاوی امتحان خویش را پس داده اند، اما دوستان ایرانیشان اول بایستی جایگاه خویش را مشخص کرده و نشان دهند که برای این مقام شایستگی کامل را دارا هستند، پس باید چپ و راست از شیوه های مسالمت آمیز سخن بگویند تا از مابهتران! بدانند که با چه کسانی طرف هستند و وزرای کابینه های برآمده از "انتخابات آزاد" تحت "نظارت نهادهای بین المللی" چه شکل و شمایلی دارند.

کسی که کمی با سیاست رژیم جمهوری اسلامی درمورد دگراندیشان آشنا باشد، می داند که شعار فراندم تنها و تنها رو به سازمانها و دولتهای بین المللی دارد، وگرنه هیچ احمقی نمی تواند تصور کند که رژیم فاشیستی و فوق ارتجاعی اسلامی به اینگونه داستانهای رضایت دهد. تصور کنید که در جنگ جهانی دوم بجای مبارزه برای درهم کوبی فاشیسم، کسانی با جمع آوری امضاء، خواهان تعویض رژیم هیتلری می شدند، آیا یک آدم با شعور معمولی فکر نمی کرد که این عناصر دیوانه اند و جای آنها در تیمارستان است ؟

اگر پیشتان این شیوه نگاه به قدرت دولتی، آقای گنجی، یک برنامه ی "تمام و کمال" برای تغییر و تحولات آینده تصویر کرد و بقیه نیز بچاپ از روی این نسخه عقب مانده با اسمهای پر طمطراق جمهوری لائیک و امثالهم افتادند، فراندم خواهان در یک پیام نیم صفحه ای می خواهند رژیم را دست بدست کنند. احتیاج به مدتی طولانی نخواهد بود که از این طرفند جدید نیز دست بشویند و مستقیما و روشن مانند شاه پرستان دست بدامان ناجی خویش یعنی امپریالیسم آمریکا، در انتظار بصف بایستند، تا شاید بلیط بخت آزمایی شان برنده شود و یا دست بدامان خدا و پیغمبر، به زندگی درویشی روی آورند. آری فرانرندم طلبان بوی کباب به مشامشان رسیده است، اما نمی دانند که در سر سفره بایستی چه کبابی را تناول کنند.

دسامیر ۲۰۰۴

Samaram10@yahoo.de سامان آرام